

حضرت امام سپس می نویسند:

«(کما أن دعوى) استفادة كونه قمارا موضوعا من بعض الروايات مثل ما فسرت الميسر بكل ما تقوم به حتى الكعاب والجوز، أو قומר عليه، بدعوى أن المراد التغالب به أو عليه ومن رواية إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام "الصبيان يلعبون بالجوز والبيض ويقامرون، قال لا تأكل منه فإنه حرام، حيث عدهما من القمار مع عدم كونهما آلة له ورواية العلاء بن سيابة عنه عليه السلام وفيها " وكان يقول: إن الملائكة تحضر الرهان في الخف والحافر والريش وما سوى ذلك فهو قمار، حرام ليست وجيهة .
لأن عد اللعب بالجوز والبيض من القمار لعله لأجل تعارف اتخاذهما آلة للقمار. "
وأي هذا مما لا يكون كذلك، مع أن الاطلاق أعم»^۱

توضیح:

۱. همچنین ادعای ذیل هم نمی تواند دلیل حرمت باشد:
۲. ادعا: «لعب مع المراهنة بغير آلات قمار» در برخی از روایات در حالیکه موضوع قرار گرفته است، قمار دانسته شده است. (پس معلوم می شود این قسم قمار است)
۳. [کما أن دعوى ... غیر وجیهه]: چرا که اولاً؛ شاید این روایات در مقام ادعا می باشد (یعنی چون معمولاً با آنها قمار شده است، [ادعاء] قمار دانسته شده است (و لذا این سخن در غیر چنین «آلات متعارف» صادق نیست)
۴. و ثانیاً استعمال اعم از حقیقت و مجاز است.



۱. المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۱۴

ما می‌گوییم:

۱. اولاً اشکال اول امام بر فرض آنکه درباره تخم مرغ و گردو تمام باشد، درباره روایت علاء بن سیابه، تمام نیست چرا که در این روایت اصلاً به شیء خاصی اشاره نشده است و سخن درباره مطلق «ما سوی ذلک» است.

۲. ثانیاً اینکه بر لعب با تخم مرغ و بیض اطلاق قمار شده است، یا از باب انطباق کلی (قمار) بر فرد حقیقی است و یا از باب انطباق بر فرد ادعایی. در صورت دوم هیچ مزیتی برای جوز و بیض نیست و لذا می‌توان درباره‌ی هر شی‌ای (و لو آلات قمار نباشد) این روایت را حمل کرد.

اللهم الا ان يقال: باید آن وسیله به گونه‌ای باشد که کثیراً با آن قمار شود، تا «ادعا» مصحح داشته باشد. و در فرض اول: این استعمار تنها در صورتی صحیح است که بگوییم جوز و بیض تبدیل به آلت قمار شده بوده‌اند و این سخن البته بسیار بعید است (به خصوص با توجه به تعبیر «حتی» در روایت ۳.

حضرت امام سپس ادامه می‌دهند:

«(ودعوی) إرادة المغالبة من قوله كل ما قומר عليه أو به كما ترى (فإنها بلا بينة) واطلاقه أحياناً على مطلق المغالبة أو على المغالبة في التفاخر كما يظهر من بعض اللغويين لا يوجب حمل الأخبار عليه، مع أن الظاهر من الجوهری فی الصحاح أن المستعمل فی غلبة التفاخر: من قمر يقمر بضم الميم، وفي المغالبة في اللعب بكسرها»^۱

توضیح:

- اینکه برای اثبات حرمت در این قسم، ادعا کنند که
- «کل ما قומר علیه»، به معنای مطلق مغالبه است،
- سخن بی دلیلی است.
- و این که گاه چنین استعمالی صورت می‌پذیرد، یا اینکه گاه به مغالبه با تفاخر قمار گفته می‌شود، باعث نمی‌شود که روایات را بر این معنی حمل کنیم
- ضمن اینکه جوزی در صحاح، «غلبه تفاخر» را از ریشه‌ای غیر از ریشه «غلبه در لعب» می‌داند.

ما می‌گوییم:

۱. چنان که در ضمن بحث از معنای قمار گفتیم، قمار به معنای «لعب و مغالبه مع الرهن» است و لذا اراده چنین معنایی از «کل ما قומר به» [روایت ۳]، و «کل ما قומר علیه» [روایت ۸]، مطابق معنای حقیقی کلمه است.

۱. همان، ص ۱۵





۲. درباره‌ی اینکه «آلت قمار» نمی‌تواند داخل در تعریف قمار باشد، مرحوم شیخ انصاری مطلبی دارند (که در کلمات مرحوم خوبی هم آمده است)^۱ که می‌تواند مورد توجه باشد:

«أن إطلاق «آلة القمار» موقوف على عدم دخول الآلة في مفهوم القمار، كما في سائر الآلات المضافة إلى الأعمال، والآلة غير مأخوذة في المفهوم»^۲

توضیح:

اگر قمار به معنای «لعب مع آلات القمار» باشد، تقدم الشيء على نفسه لازم می‌آید. چراکه قمار بودن بازی با هر چیز، متوقف بر آن است که آلت قمار باشد و آلت قمار بودنش متوقف بر آن است که قمار روی آن واقع شود.

۳. اما به نظر می‌رسد این اشکال وارد نیست چرا که:

اگر مراد از «آلت قمار»، «وسیله‌ای که متعارفاً با آن قمار واقع می‌شود» است در اینجا اشکال وارد است و هیچگاه چنین وسیله‌ای در عالم پیدا نمی‌شود و دور حاصل است چرا که تا وسیله‌ای مورد قمارهای کثیره نباشد، متعارف نمی‌شود و تا متعارف نباشد قمارهای کثیر حاصل نمی‌شود) ولی اگر مراد از «آلت قمار»، «آلات مخصوص لعب همراه با راهننه» است (و ظاهراً همین مراد است)، مشکل مرتفع است. چراکه قمار در این صورت یعنی «لعب با وسیله‌ای که اختصاصاً برای لعب مع المراهنه ساخته شده است»

پس مراد از «آلات قمار»، (اگرچه عنوان اصطیادی است) همین معنی است.

۱. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۳۸۶

۲. کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۳۸۲